

# مبانی آهنگسازی

جلد اول

مصطفی کمال پورتراب



## فهرست

مقدمه ..... ۷

### فصل اول

- ملودی، جمله و اجزای آن : موتیف، بُرش، نیم جمله، جمله و تجزیه و تحلیل آن ..... ۱۰  
تغییرات موتیف ..... ۱۳  
تالیته و مدالیته، گام و انواع گوناگون آن ..... ۱۸  
تم و انواع گوناگون آن ..... ۲۳

### فصل دوم

- جمله‌های هفت - دوازده - چهارده - یازده - شانزده - بیست - بیست و چهارمیزانی ..... ۲۸  
پر یود مضاعف ..... ۳۵  
تکیه، متریک، ارکان شعری ..... ۳۶  
پویایی و ایستایی ..... ۴۰  
نغمه‌های پویا و ایستا ..... ۴۱  
نقش درجات ..... ۴۲  
وصل درجات به یکدیگر ..... ۴۴  
جابه‌جایی (جای گشت) ..... ۴۶  
ابداع ملودی‌های گوناگون بر مبنای چهار نغمه از دانگتِ اول دوی بزرگ ..... ۴۸  
ابداع ملودی‌های گوناگون بر مبنای چهار نغمه از دانگتِ دوم دوی بزرگ ..... ۴۹  
ابداع تنوع فواصل نغمه‌ها در دانگتِ اول دوی بزرگ ..... ۵۰

ابداع تنوع فواصل نغمه‌ها، در دانگِ دَوَمِ دوی بزرگ و دانگِ اولِ دوی بزرگ به فاصلهٔ چهارم افزوده و ترکیبی از آن‌ها به منظور ایجاد گام‌های گوناگون ..... ۵۱

### فصل سوّم

- ۵۲..... هارمونیک‌ها یا سریِ فراهنگ‌ها
- ۵۸..... بافتِ موسیقی
- ۵۹..... انواع آکوردهای سه صدایی
- ۶۱..... آکوردهای ثنالی
- ۶۲..... کاربرد آکوردهای سه صدایی به شکل چهاربخشی
- ۶۴..... گستره‌ی صوتی (سپرانو، آلتو، تنور، باس، حرکات چهارگانهٔ بخش‌ها)
- ۶۶..... وضعیت‌های مختلف آکوردهای سه صدایی به شکل موسیقی آوازی چهاربخشی
- ۶۸..... ممنوعیت‌ها و حرکات متناسب در هارمونی
- ۷۰..... وصلی درجاتِ اصلی به یکدیگر و فرودهای پایانی، کامل، نیم فرود
- ۷۲..... فرود شکسته و وصلی درجاتِ ششم - چهارم - دوّم - به یکدیگر
- ۷۵..... وصلی درجاتِ دوّم به پنجم - دوّم به ششم

## مقدمه

آهنگ‌سازی یا کمپوزسیون ایجاد قطعه‌ای بدیع است که در شنونده تأثیری عمیق به جای گذارد و او را دگرگون سازد. به بیانی دیگر، آهنگ‌سازی عبارت است از کنار هم قرار دادن و اختلاط و ترکیب نغمه‌ها به نحوی که با ایجاد تعادل در بین آن‌ها قطعه موسیقی زیبایی به وجود آید.

در حقیقت آفرینش هنری برای هنرمند نیازی است ضروری به منظور بیان و از قوه به فعل در آوردن اندیشه‌ها و تخیلات ذهنی او به صورتی عینی.

قدرت ایجاد و خلق ایده‌های موسیقایی و ترکیب و ساختار آن استعدادی است که به‌طور طبیعی در ذات بعضی از افراد وجود دارد و در واقع خلق آثار برجسته نیاز به نبوغ و استعداد فوق‌العاده ذاتی مصنف آن دارد؛ همان‌طور که آهنگ‌سازان بزرگ با نبوغ خود توانسته‌اند با سهولت، آثار سلیس و برجسته‌ای که از نظر کمیت و کیفیت در بالاترین سطوح هنری قرار دارد ابداع کنند. با همه این‌ها، نوابغ بزرگ یا سازندگان جامعه‌های فرهنگی - هنری نیز از آموزش تکنیک‌های مختلف آهنگ‌سازی و نوازندگی بی‌نیاز و بی‌بهره نبوده‌اند و همیشه با پشتکار فراوان خود به تحصیل و مطالعه فنون مختلف موسیقی پرداخته‌اند تا با استفاده از تجربیات گذشتگان و بر پایه آن تجربیات بتوانند ابداعات و نوآوری‌های خود را به نحو بدیع و برجسته‌تری به صورت آثاری بی‌نظیر و ارزنده عرضه کنند و برای آیندگان به یادگار گذارند.

مطالعه و تمرین مستمر در آهنگ‌سازی نقش مهمی در پرورش استعداد

ذاتی نوآموز برای ایجاد ملودی‌های متوازن و زیبا دارد، ولی افرادی که استعداد و ذوق کافی در این هنر ندارند متأسفانه نمی‌توانند ملودی‌های متعادل و بکری به وجود آورند، حتی تمرین و مطالعه زیاد این افراد نیز نمی‌تواند جایگزین کم‌استعدادی آنان شود. به همین دلیل بهتر است این‌گونه افراد پس از آگاهی به این امر به هنری روی آورند که وجود استعداد ذاتی آن را در خود سراغ دارند.

در حقیقت بدعت و تناسب و زیبایی ملودی، عامل اساسی آهنگ‌سازی به شمار می‌رود و به همین دلیل می‌توان گفت که موسیقی واقعی بدون وجود ملودی در آن هیچ‌گونه ارزشی ندارد، ولی ناگفته نماند که در کنار عمیق‌ترین احساساتی که در ملودی یک آهنگ‌ساز موجود است و به وسیله نوازنده‌های توانا به شنونده القا می‌شود نوعی هوش و فراست ریاضی نیز وجود دارد که اسکلت موسیقی را شکل می‌بخشد و به وسیله عوامل دیگری مانند هارمونی و کنتراپون و سازبندی و فرم، ساختمان آن را تکامل می‌دهد.

این مهارت ساختاری در آهنگ‌سازی فقط با تمرین و تجربه‌های فراوان علمی و عملی و کوشش خستگی‌ناپذیر حاصل می‌شود و یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که ذوق و استعداد ذاتی آهنگ‌ساز، بدون آشنایی و مهارت با تکنیک و کاربرد این عوامل، به شکلی سرکش و خودسر و بدون انضباط باقی می‌ماند.

در ابتدای امر، ممکن است در مغز نوآموزان علاقه‌مند به آهنگ‌سازی ملودی‌های متناسب کوچکی خودنمایی کند که اگر نوآموز در آن مقطع زمانی توانایی بهره‌گیری و پیشبرد آن را به منظور ایجاد یک قطعه موسیقی نداشته باشد آن ملودی‌ها کم‌کم فراموش خواهد شد و از بین خواهد رفت. ضبط و یادداشت کردن این‌گونه طرح‌ها و الگوها بسیار مفید است، چون ممکن است در زمانی دیگر و در شرایط مناسب‌تری اساس به وجود آمدن قطعه ارزنده‌ای باشد.

دو عامل اصلی آفرینش و ساختمان را که اولی ذهنی و دومی عینی است، می‌توان به ترتیب ابداع و تکنیک نامید. عامل ابداع یعنی به وجود آورنده آثار تازه و بدیع، فرایندی درونی و در نتیجه اسرارآمیز است که هیچ‌گونه فرمول و قانونی در آن راه ندارد و کسی که در او جرّقه‌ای از این موهبت موجود نباشد نمی‌تواند چیزی بیافریند. ولی در عین حال این جرّقه در صورت وجودی، به شرطی دوام پیدا می‌کند که نوآموز خستگی‌ناپذیر با تداوم کوشش خود در راه آموزش فنون مختلف این هنر؛ آتش آن را همیشه شعله‌ور نگاه دارد. در این مورد دقت و مطالعه و پشتکار و تجربه تنها وسیله‌هایی هستند که موفقیت یک نوآموز با استعداد را تضمین می‌کنند و او را به یک آهنگ‌ساز بی‌بدیل و با ارزش بدل می‌سازند.

نوآموزان آهنگ‌سازی برای شروع کار بهتر است نمونه با ارزش و مشخصی مانند و یا شبیه کارهای یکی از آهنگ‌سازان را در نظر گیرند و روی آن کار کنند تا به تدریج به راه صحیح آهنگ‌سازی کشیده شوند. این عمل مانند تمرین‌های نوآموزان نقاشی است که در ابتدای کار خود، اشیای مختلف را مُدل قرار می‌دهند و از روی آن‌ها کپی تهیه می‌کنند تا استعداد و خلاقیت‌شان بر اثر تقلید از نمونه‌های برجسته شکوفا شود و به تدریج استقلال یابد. نوآموزان آهنگ‌سازی نیز نباید از اینکه روی مُدل آهنگ‌ساز دیگری کار می‌کنند مأیوس شوند، چون پس از مدتی که به تجربیات‌شان افزوده شد، به تدریج رویش مخصوص به خود را باز خواهند یافت و از آن استفاده خواهند کرد.

لازم به یادآوری است که استفاده از نمونه‌ها نباید تقلیدی ناآگاهانه از سبک و شیوه آهنگ‌سازان دیگر باشد بلکه ادامه مُدل و بسط و گسترش آن باید با آگاهی و بصیرت کامل نوآموز، به شکلی که با قطعه اصلی متفاوت باشد انجام گیرد تا بتواند کم‌کم با کنار گذاشتن روش‌های مصتفان دیگر و تقلید از آن‌ها نوآوری و ابداعات خود را بهتر و بیشتر ارائه دهد.

## فصل اوّل

ملودی، جمله و اجزای آن :

موتیف، بُرش، نیم جمله، جمله و تجزیه و تحلیل آن

موسیقی کلاسیک از سه لایه ملودی، هارمونی، باس و به عبارت ساده تر از دو لایه ملودی و هارمونی تشکیل شده است.

از توالی صداهای موسیقی یا نغمه‌ها، با استفاده از فواصل متصل و مفصل بالا رونده و پایین رونده که رشته واحدی از نغمه‌ها به ترتیبی ویژه و مؤثر را تشکیل می‌دهند، ملودی حاصل می‌شود، مانند آوازی که به وسیله صدای انسان خوانده یا آهنگی که به وسیله یک سازبادی مثل فلوت و غیره نواخته می‌شود.

هر کس که به موسیقی می‌اندیشد بلافاصله مفهوم ملودی به ذهنش راه می‌یابد، به طوری که برای بعضی از افراد، موسیقی همان ملودی است. البته این تصور تا حدودی درست است، زیرا قسمت نسبتاً مهم موسیقی از نغمه‌هایی افقی که مانند حرکات موج مرتباً دگرگون می‌شوند و بالا و پایین می‌روند و در طول زمان حرکت می‌کنند و قسمت دیگر، از نغمه‌های عمودی متوافق که به طور همزمان و مانند سایه آن‌ها را تعقیب می‌کنند و هارمونی نام دارند، تشکیل شده است. اگر این تعریف را بپذیریم متوجه می‌شویم که ساختن یک قطعه موسیقی بدون وجود ملودی امکان پذیر نیست، و اگر ملودی را متشکل از نغمه‌هایی بدانیم که یکی پس از دیگری می‌آیند هیچ مصنفی نمی‌تواند از به وجود آمدن آن در موسیقی‌اش پرهیز کند. بنابراین، می‌توان

گفت که هر آهنگ‌ساز همواره ملودی خلق می‌کند و ملودی‌های مختلف ممکن است به صورت قطع‌های گوناگونی مانند جملهٔ پریودیک، جملهٔ عبارتی، نیم‌جمله، بُرش و موتیف باشد.

موتیف مانند سلول زنده در بدن جانداران، کوچک‌ترین واحد دارای مفهوم در موسیقی است و همان‌طور که از اجتماع تعداد زیادی از سلول‌ها نسج به وجود می‌آید، از تکرار تعدادی موتیف نیز می‌توان یک بُرش (section)، نیم‌جمله (phrase)، جمله (sentence) و حتی یک قطعه موسیقی تصنیف کرد.

موتیف (motif) مجموعه‌ای شامل تکرار یک نغمه (tone) معین یا چند نغمهٔ مختلف با وزنی بسیار مشخص است که اهمیت وزن در آن بیشتر از عامل فاصله است و از تکرارهای آن در سطح‌های مختلف بازساخته می‌شود، ولی این تکرارها الزاماً یکسان نیست بلکه به منظور ایجاد تنوع و پرهیز از یکنواختی در موسیقی، می‌توان موتیف را در مبناهای مختلف و با تغییرات وزن (ریتم) یا اضافه کردن یکی دو نغمه به آن و یا ساختارهای متنوع دیگر مورد استفاده قرار داد، مشروط بر آنکه پس از تغییرات، قالب و هویت اصلی آن قابل شناسایی باشد. چنانچه یکی دو نُت به انتهای موتیف اضافه شود آن را موتیف تمدید شده می‌نامیم.

مثال شماره ۱

The image shows a musical score on two staves. The top staff is labeled "نیم‌جمله اول (Phrase)" and contains two "بُرش (Section)" units. The bottom staff is labeled "نیم‌جمله دوم" and contains several "موتیف" (Motif) units. Brackets and boxes are used to group these units hierarchically, showing how individual motifs combine into sections, and how sections combine into phrases.